

گذر از اغتشاشات فکری در ساماندهی اعتراضات

# پدر، نه پدرسالار

حامد نیکونهاد/

پژوهشگر حقوق عمومی پژوهشکده شورای نگهبان



تفکیک اعتراض از اغتشاش، اولین و رایج‌ترین عبارتی است که در مواجهه با تجمعات تند به گوش می‌رسد. روشن است که رویارویی انتظامی، حقوقی و قضایی با این دو نمی‌تواند یکسان باشد، اما برخورد ناشیانه و نابخردانه با هریک از این دو می‌تواند برای کیان جامعه زیان بار باشد. هر قدر که برخورد سخت با اعتراضات آسیب‌زاست به همان میزان و شاید بیشتر، مواجهه سست با انواع آشوب‌ها ویرانگر است. به نظر می‌رسد ذهن سیاست‌گذاران و سیاست‌گزاران در این زمینه مغشوش است و از این رو مواجهه درست با این دو، در گرو اصلاح رویکردها و اصلاح اغتشاشات بینشی و فکری در این حوزه است.

تلاش نگارنده این نوشتار آن است تا در این مسیر مبتنی بر درس‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی (با نگاهی کل‌گرا و منظومه‌ای به سند میثاق ملی و پرهیز از نگاه‌های جزیره‌ای و تک‌بعدی و التقاطی) به ویژه اصل ۲۷، نکاتی روشن‌نگر عرضه کند تا نظام حقوقی حاکم بر اعتراضات، چه در زمان وضع قانون و چه اجرا، به درستی سامان یابد.

۱. نکته نخست، نوع نگاه به اصل ۲۷ قانون اساسی و انتظار از این اصل بنیادی است. این اصل به تجمعات اعتراضی و حتی سیاسی اختصاص ندارد و شامل انواع اجتماعات و تظاهرات با اهداف گوناگون و اشکال متنوع می‌شود. اصل ۲۷ را باید بستری ضروری برای استیفای حق/ تکلیف تعیین سرنوشت (اصل ۵۶ قانون اساسی) و همچنین زمینه‌ای برای ایفای تکلیف دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر (اصل ۸ قانون اساسی) در نظر گرفت؛ بنیادی بودن این اصل مبتنی بر این بینش است که بیان دسته‌جمعی خواست‌ها و آرمان‌ها، همانا مشارکت معنادار و تأثیرگذار عموم مردم برای ساخت جامعه است. در واقع این اصل نماد بی‌تفاوت نبودن اعضای جامعه به امور جامعه است؛